

بسم الله الرحمن الرحيم

اثبات مشروعية تقليد

گروه خيمه حضرت ابوالفضل(ع)

مخالف تقليد

ثم إن التكلم في مفهوم التقليد لا يكاد أن يترتب عليه ثمرة فقهية ، اللهم إلا في النذر ، (ع) وذلك لعدم وروده في شيء من الروايات (ع). نعم ، ورد في رواية الاحتجاج « فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه ، حافظاً لدينه ، مخالفاً على هواه ، مطيعاً لأمر مولاه فللعوام أن يقلدوه » (ع) (ع) (ع) إلا أنها رواية مرسله غير قابلة للإعتماد عليها.

سپس به تحقیق که تکلم در مفهوم تقلید هیچ ثمره فقهی نخواهد داشت! مگر خدایا در نذر! (که کسی نذر کند اگر در روایات دلیلی بر تقلید آمده باشد مثلاً صدقه بدهد) و آن به این خاطر است که چیزی درباره تقلید در روایات وارد نشده! بله! وارد شده در روایت احتجاج (ع) (پس آن کس از فقهاء که محافظ نفس خود است حافظ دین خود و مخالف با هوای نفس اش و مطیع امر مولایش است ، بر عوام باد تقلید از او.

(ع) (ع) اما آن روایت مرسله بوده و غیر قابل اعتماد است!

التنقيح في شرح العروة الوثقى تقرير لأبحاث السيد أبو القاسم الموسوي الخويي ، التقليد، تأليف الشيخ علي الغروي، (چاپ موسسه آقای خویی) ص 61

این رو همیشه توضیح بدید

جناب سید عباس:

بله

یکی از اشکالاتی که مخالفین تقلید به روایات تقلید و یا روایت توقیع وارد می کنند بحث سندی هست

که ما سابقا در گروه و در کانال و ایضا در مناظرات خود اینها را مفصلا پاسخ گفته ایم و گفته ایم کسی که می خواهد بیاید مثلا در باب تقلید یا ولایت فقیه بحث کنه و بعد پنبه روایات را بزنه ان هم از جهت سند اولاً باید برود علم رجال و مبانی رجال شیعه را بیاموزد و منهج علما در رجال را بخواند و سپس بیاید بحث رجال بکنه این به عنوان مقدمه

اما مطلب ذی مقدمه اینجا هست که همین ابتدا به ساکن اشکالی که بر مخالفین تقلید وارد هست اینه شما برای باطل کردن روایت تقلید و یا توقیع مثلا استدلال می کنید به سخن سید خوئی، ما هم می گویم افرین، اما اشکال اینجاست شما که اعتقادی به اجتهاد و تقلید ندارید انوقت چطوری می خواهید از نظر سید خوئی در باب رجال که بحث اجتهادی و تقلید هست برای ضعف روایت بحث کنید و استدلال و احتجاج کنید؟ پس شما خودتان دچار تناقض هستید و اگر اعتقاد به تقلید دارید دیگر اشکال شما به معتقدین تقلید چیه؟ و اگر نه اعتقاد به اجتهاد و تقلید ندارید دیگه چرا به اجتهاد سید خوئی در باب ضعف حدیث استدلال کرده و از کلام ایشان تقلید می کنید؟

مطلب بعد این هست شاید آقایان به ما بگویند ما به کلام سید خوئی از باب الزام استدلال می کنیم که ما در پاسخ می گوئیم اولاً اگر شما می خواهید ما را به کلام سید ملزم کنید می گوئیم بر فرض سید این روایت را از جهت هم سند و هم متن ضعیف بدانند اصلاً اشکالی وارد نیست زیرا خود سید اعتقاد به تقلید دارد و در باب تقلید هم کتاب نوشته ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

نام کتاب : کتاب الاجتهاد والتقلید نویسنده : السید أبوالقاسم الخوئی جلد : 1 صفحه : 434

<http://lib.eshia.ir/10115/1/434>

لهذا اگر ما ملزم به ایشان باشیم که ایشان اعتقاد به تقلید دارد و استدلال شما به ضعف روایت باطله

ثانیا مگر ما مقلد سید خوئی هستیم که بخواهیم به کلام او احتجاج کنیم و بگویم چون ایشان گفته روایت ضعیفه ما هم بگویم بله درست شد پس روایت شد ضعیف؟

لذا می گوئیم اگر شما اعتقاد به اجتهاد سید خوئی دارید ایشان خودشان مرجع بوده و کتاب در باب تقلید و اجتهاد نوشته چرا ازش تبعیت نمی کنید؟ اگر بگویند از باب الزام به او استدلال کردیم می گوئیم خودشان اعتقاد به تقلید داشته لذا اشکالی بر ما و ایشان نیست 😊😊😊

یعنی هر دو سر را بزنند خودشان باخت دادند

در مورد سند روایت توقیع ما قبلاً مفصل بحث کردیم که دیگر بر آن توقف نمی کنیم

اما می رویم سر آموزش قواعد رجال به مخالفین تقلید

اولاً آقایان باید بدانند که عقیده شیعه در رجال بر این مبنا هست وقتی روایتی ضعیف شد ولیکن علما بر آن عمل کردند به آن می گویند انجبار از ضعف یعنی عمل علما و فقها جبران ضعف حدیث کرده و شاید از نظر سند ضعیف بوده ولی از جهت متن مورد استدلال هست 🕌🕌🕌

إن اعتبار الروایات الظنیه فی بحوث العقائد والمعارف لایتوقف ولاینحصر فی خصوص الصدور التعبدی واعتبار الطریق ، بل الشان الاعظم فی الروایات هو البیان العلمی والدلائل المشار الیها فی مضمون الروایة حیث تتفق مع اصول و قواعد وثوابت الكتاب والسنة القطعیة ..

معتبر بودن یک روایت فقط منحصر در این نیست که سند آن روایت صحیح باشد، بلکه باید به مضمون روایت و دلایلی که در روایت به کار گرفته شود نگاه کرد پس اگر روایت از لحاظ متنی موافق قرآن و سنت قطعیه و اصول باشد معتبر خواهد بود.

نام کتاب : الرجعة بین الظهور و المعاد نویسنده : الشیخ محمد السند جلد : 1 صفحه : 20

حالا آقایان می گویند سند روایت 🕌🕌🕌 ضعیفه

فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه ، حافظاً لدينه ، مخالفاً على هواه ، مطيعاً لأمر مولاه فللعوام أن يقلدوه

خوب می گوئیم کی گفته ضعیفه؟ می گویند سید خوئی، ما هم می گویم اگر سید خوئی گفته ضعیفه خیلی از مراجع ما هم گفتن صحیحه و ایضا گفتن مقبوله هست و ایضا گفتن قابل احتجاجه و بهش هم عمل کردن ﷺ ﷺ ﷺ

دیگه من از سید صادق شیرازی می اورم کسی که دیگه مو لا درزش نره که دیگه خود مخالفین هم او را قبول دارند و به جهت اطناب وقت از ذکر مابقی علما خودداری می کنم ﷺ ﷺ ﷺ

﴿أدلة التقليد مثل: «فللعوام أن يقلدوه»﴾ ﷺ ﷺ

نام کتاب: بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی (الاجتهاد والتقليد) نویسنده: السید صادق الحسینی الشیرازی جلد: 3 صفحه: 156

سید صادق اینجا می گوید اصلا از ادله تقلید همین روایت هست لذا او به روایت عمل نموده

■ در جای دیگر تیر خلاص می زنه ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

﴿تصريح بعضهم بحجية التفسير، و اعتماد أجلاء من الفقهاء عليه.﴾ ﷺ ﷺ

خوب اینجا باید یک نکته ای را عرض کنم این روایت در کتاب تفسیر امام حسن عسگری هست که سید صادق می گوید بعضی از علما قائل بر حجیت این تفسیر و صحت و سقم ان هستن چون علامه مجلسی که بنده در این مورد هم مفصلا سابقا کار کردم علی کل حال ایشان می گوید و میان فقهای شیعه اجلای فقها یعنی بزرگان فقهای شیعه بر این تفسیر اعتماد کرده اند لذا این استدلال را از باب این می اورد کسانی که به سند اشکال می کنند بدانند که این تفسیر مورد اعتماد بوده و حجت است لذا روایت از جهت سند محل اشکال نبوده

در ادامه چنین می گوید ﷺ ﷺ ﷺ

مضافا إلى إمكان أن يقال: إنّ هذه القطعة من الرواية من قسم المعمول بها، المتلقاة بالقبول من قبل الفقهاء (قدس سرهم).

این روایت تقلید را بخش مورد نظر را فقهای شیعه متلقا در باب تقلید پذیرفته اند و قبول کرده اند

نام کتاب : بیان الفقه فی شرح العروة الوثقی (الاجتهاد والتقلید) نویسنده : السید صادق الحسینی
الشیرازی جلد : 3 صفحه : 49

پس ثابت است از نظر فقهای نامی شیعه در گذشته و امروزه به این روایت عمل کردن و از جهت
سندی هم انرا معتبر دانسته و ایضا از جهت متن

حالا سوال اینجاست شما اگر پیرو اجتهاد فقها هستید پس قبول کنید که فقها به روایت عمل کردن ان هم
در باب اجتهاد و تقلید اگر پیرو فقها نیستید استدلال و احتجاج شما به کلام سید هم مطرود بوده

اما آقایان می گویند اینجا اهل بیت سخن از تقلید کردن، ما در جواب می گوئیم جالب است که شما به
معتقدین تقلید می گوئید روایت با لفظ تقلید بیاورید ما هم آوردیم دیگه بهانه های بنی اسرائیلی چیه که
منظور از تقلید اینجا چه و چه هست؟

کار شما مگر شده کار عمریه؟

عمریه به ما می گویند برای علی علیه سلام روایت در باب خلافت و امامت بیاورید ما هم می اوریم،
لفظ ولی می اوریم می گویند یعنی دوست لفظ امام می اوریم می گویند یعنی کسی که در نماز
جماعت بهش اقامه کنیم لفظ خلیفه می اوریم می گویند که پیامبر خلیفه نصب نکرده

خوب ما لفظ عام برای تقلید می اوریم می گویند لفظ خاص بیاورید

لفظ خاص می اوریم می گویند این لفظ هم قبول نیست پس چی بیاوریم که قبول می شود؟ و ایضا که
ترجمه تقلید هم در کلام سید سیستانی می اورم

س ۱ - مراد از تقلید چیست؟

ج- باسمه تعالی؛ مراد پیروی کردن از مجتهد در احکام است.

<http://rohanibook.com/View/en/Book/BookView/Image/314>

مخالف تقلید

استاد سید عباس عزیز در بحث تقلید که عرض کردید بزرگوار علمای اصولیین امر بر وجوب تقلید گفتند و گفتند که تقلید برده‌مه واجب هست در حالی که نص صریحی بر واجب بودن تقلید از معصوم نداریم و ما در واجبات تقلید نمیکنیم ولی اخباریون به رجوع جاهل به عالم را قبول دارند اما اینکه این عالم بر خلاف نص صریحه اجتهاد وارد کند این جای سؤال است و مطلب بعدی اینکه اکثر علما این روایات را دلیلی بر احتجاج نمیدونند مثل آقای مکارم

أَنَّ التَّكَلُّمَ فِي مَفْهُومِ التَّقْلِيدِ لَا يَتَرْتَّبُ عَلَيْهِ ثَمَرَةٌ فَهَيْئَةً، وَذَلِكَ لِأَنَّ هَذَا الْعَنْوَانَ أَمْرٌ حَادِثٌ فِي مِصْطَلَحِ الْفُقَهَاءِ

﴿لم يرد في آية ولا رواية ولا معقد إجماع﴾ إلفي مرسله الاحتجاج عن أبي محمد العسكري عليه السلام:

«فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه مخالفاً لهواه، مطيعاً لأمر مولاه، فللعوام أن يقلدوه».

﴿﴾ ﴿﴾ لکنها مضافاً إلى ضعفها من ناحية السند مؤيِّدة لما ذكرنا لأنّ الذمّ الوارد فيها إنّما هو على عملهم بفتاوي من لا يوثق به من علماء أهل الكتاب.

طريق الوصول إلى مهمات علم الأصول نویسنده : ناصر مکارم شیرازی جلد : 2 صفحه : 351

<http://lib.eshia.ir/10290/2/351>

استاد سید عباس:

سید جان واقعا برای من عجیبه این حرف شما، می گوید نص صریح در مسئله تقلید نداریم پس این چیه؟ و به من بفرمائید نصب چیست و باید چگونه باشد؟ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

أما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه ، حافظاً لدينه ، مخالفاً على هواه ، مطيعاً لأمر مولاه فللعوام أن يقلدوه

به من بفرمائید نص را تعریف کنید و این نق در مورد تقلید پس چه هست؟

مخالف تقلید

اگر به کتب علمای بزرگ اصولی رجوع کنیم میبینیم اونها رد کردند مانند سبحانی

استاد سید عباس:

چی رو رد کردن؟ تقلید رو رد کردن؟

مخالف تقلید:

بله

الذین ذمهم الله تعالى بالتقليد لفسقة فقهاءهم ، فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه ، حافظاً لدينه ، مخالفاً على هواه ، مطيعاً لأمر مولاه فعلى العوام أن يقلدوه . . . [1] إلى آخره ، دلّ بإطلاقه على جواز تقليد المفضل ؛ وافق قوله قول الأفضل أو لا .

وفيه أو لا - مع كونه ضعيف السند -

، أنه لا إطلاق له ،

وأنه ليس بصدد البيان من هذه الجهة حتى يتمسك بإطلاقه ؛ إذ الكلام قد سبق لبيان الفرق بين علمائنا و علمائهم ،

ولا لبين لزوم التقليد للعوام حتى يؤخذ بإطلاقه في صورتها وجود الأفضل وعدمه وموافقتها وعدمها .

وثانياً : أنّ ظاهر الحديث صحّة التقليد في الأصول والعقائد إذا أخذوها عمّن هو صادق في حديثه غير متجاهر بفسقه ، ولا متكالب في أمور الدنيا ؛ وأنّ مذمة اليهود ليس لأجل أنّهم قلّدوا علمائهم في أصول دينهم ، بل لأجل أنّهم قلّدوا علماء ليس لهم أهلية .

تهذيب الأصول نويسنده : تقرير بحث السيد روح الله الخميني، الشيخ جعفر السبحاني جلد
: 3 صفحه : 634

در رد روايت

اين رو رد كردن

استاد سيد عباس

اذا سيد عزيز نمي دانم مطالب من را نمي خواني يا داستان از چه قرار هست نمي دونم

بنده براي شما ابتدا توضيح دادم قاعده رجال چيه

بعد هم گفتم در قاعده رجال عمل علما به روايت فقط در باب سند نيست و فقط به سند نظر نمي شود
بلکه علما به متن هم نظر مي کنند

شما از امام خميني گفتيد بنده به شما بگويد خود امام هم بعضي روايات را تضعيف کرده از جهت
سند اما از جهت متن به ان عمل کرده و به اين مي گویند انجبار از ضعف مانند مسئله ولايت فقيه در
باب توقيع شريف

لطفًا مطالب را بخوانيد

اين رو هم الان جواب مي دم ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾ ﴿﴾

مخالف تقليد

روايتي که علما بهش عمل کنند گرچه ضعيف باشه مورد احتجاج هست

اما سيد استاد فقها امر بر وجوب تقليد كردن و اين جزوی از اعتقادات هست كهیما در مورد اعتقادات از اشخاص تقليد نمیكنیم

[الشرط الحادي عشر: الإعراض عن الدنيا]

و الحادي عشر ممّا يشترط في مرجع التقليد: أن لا يكون مقبلا على الدنيا و طالبا لها، مكبّا عليها، مجدّا في تحصيلها ففي الخبر المروي في تفسير الإمام العسكري(عليه السلام) «من كان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدينه، مخالفا لهواه، مطيعا لأمر مولاه، فللعوام أن يقلدوه» [1].

و هذا الخبر مرّ سابقا الاستدلال به، و ما أورد عليه سندا، ﴿ و كونه في الأصول لا الفروع الذي ﴾ هو محطّ البحث،

﴿ و كونه غير دالّ على أكثر من العدالة، التي أغنى ذكرها في شروط مرجع التقليد سابقا عن تكرار ذكرها بهذه الرواية.

[1] تفسير الإمام العسكري (عليه السلام): ص 300.

نام كتاب : بيان الفقه في شرح العروة الوثقى (الاجتهاد والتقليد) نویسنده : السيد صادق الحسيني الشيرازي جلد : 3 صفحه : 137

خود اقای شبرازی هم اعتراف كردن

استاد سيد عباس

بزگوار همان طور كه بیشتر محضر حضرتعالی عارض شدم بنده گفتم اين روايت رو بعضی از علما از جهت سند تضعيف کرده اند اما از جهت متن قبول کرده اند

برای من عجيب هست كه کسی رجوع می كنه به كلام امام خمینی نمی دانم چرا مبانی امام را نمی خواند و جایی كه به نفعش هست را بر می دارد و جایی كه به ضررش هست را قیچی می كنه

خوب دقت کن سید من، امام خمینی هم مانند سید خوئی کتابی دارد به نام ﷺ

نام کتاب : الاجتهاد والتقليد نویسنده : السيد روح الله الخميني

پس اولاً خود امام قائل بر تقلید بوده و استدلال اقایان باز هم به مبانی رجال امام باطل است چچرا؟
چون گفتیم ایا شما اجتهاد علما را قبول دارید یا خیر؟

این سوال را مطرح کردیم و باید مخالفین پاسخ بگویند

ایا شما اجتهاد امام و امثال امام را قبول دارید یا نه؟ اگر قبول دارید پس از اجتهاد آنها تقلید می کنید
و به ان استدلال می کنید دیگر نگوید تقلید باطله و اگر نه از باب الزام احتجاج می کنید ما هم می
گوییم امام اعتقاد به تقلید داشته لذا بهش عمل می کنیم

اما برویم سر اعتقاد امام به روایت یقلدوه و امثال ذالک

امام در کتاب مذکور خود در مورد روایت چنین فرموده ﷺ

اما به روایت فللعوام ان یقلدوه و بسیاری از روایات دیگر استدلال نموده و در ادامه می گوید درسته
که اینها از جهت سند مشکل داره اما در مجموعه جمع بین روایات باعث شده اثبات کنه بحث
فقهات رو دقت کنید ﷺ

لكن مجموعها يجعل الفقيه العادل قدرا متيقنا

نام کتاب : الاجتهاد والتقليد نویسنده : السيد روح الله الخميني جلد : 1 صفحه : 25

و جالبه امام لفظ قدر متیقین به کار می برد که این از مصطلحات فقهی هست یعنی با تفحص و با
تحقیق می گویم بحث تقلید طبق روایات کثیره ثابته

حالا سوال اینجاست چرا این کلام امام رو آقایان نمی گویند؟ انجا که به نفعشان هست را می گیرند؟
😊😊😊

مخالف تقلید:

سید جناب سبحانی میگویند

این روایت اطلاق نداره جدای از ضعف سند
و این برای فرق بین علمای ما و اونا روایت شده

و نه (برای بیان تقلید عوام تا اینکه اطلاقی داشته باشه) (چون نداره ثابت نیست)

استاد سید عباس:

اینجا هم که سید صادق بحث خاصی را نمی کنه ایشان گفته به این خبر سابقا استدلال کرده ایمن و
استدلال او هم بر جواز تقلید هست حالا آقایان چه برداشت کردن از این کلامش؟ 😊😊😊

یک لحظه اجازه بده

پس تا اینجا ثابت شد سید خوئی و مابقی که ذکر شد و امام همه قائل بر تقلید هستند و مخالفین تقلید هم
زحمت بسیار بر خود دادن که به اقوال آنها احتجاج کردن زیرا گفتیم اگر اجتهادشان را قبول دارند
پس خودشان مقلد هستن و اگر اجتهاد فقها را قبول ندارند پس استدلال آنها به مباحث رجالی آنها باطل
هست و ما رو هم نمی توانند ملزم کنند چون حضرات خودشان قائل بر جواز تقلید هستند

مطلب بعد بر این بود آقایان چرا به کلام علما که می رسند گزینشی عمل می کنند و جایی که به
ضررشون بود رو نمی گویند تا مخاطب خودش تصمیم بگیرد؟

مخالف تقلید:

و حالا اینکه تبعیت در روایت در از چکسانی هست کسانی که زکی النفس باشند نه اینکه اجتهاد
شخصی رو وارد کنن

در مورد این ها شما سیدنا استدلالت کردید اما واقعا باز میبینیم تکلیف خود علما بادخودشان روشن
میست

بخاطر این هست که کلام متقنی پیدا نکرد

استاد سید عباس:

احسنتم پس دوستان من همه خوب دقت کنید پس تا چند دقیقه پیش مخالفین تقلید می گفتند ما دلیل برای
تقلید نداریم الان بر اساس این اقرار شد طبق روایات تبعیت از فقیه در روایات آمده فقط باید زکی
نفس باشند خوب ما هم همین را می گوئیم ، گفته ایم از هر کسی نمی توان تقلید کرد بلکه باید
شروطی را طی کند پس مخالفین هم پذیرفتن اما پاسخ به سوالات ما داده نشد در مورد اجتهاد علما
در رجال

مخالف تقلید

شما برای من بگید در کجای روایات ما آمده فقها اجازه اجتهاد دارن

همین روایت به ضرر مراجع هست

من قلّد مثل هؤلاء فهو مثل اليهود الذين ذمهم الله بالتقليد لفسقة علمائهم ، فأما من كان من الفقهاء صائناً
لنفسه ، حافظاً لدينه ، مخالفاً على هواه ، مطيعاً لأمر مولاه ، فللعوام أن يقلّدوه ،

ﷺ) وذلك لا يكون إلا

ﷺ) بعض فقهاء الشيعة

ﷺ) لا كلهم ،

فإن من ركب من القبائح والفواحش مراكب علماء العامة ،

ﷺ) فلا تقبلوا منهم (ﷺ) عنا (ﷺ) شيئاً ، ولا كرامة ، (ﷺ)

وإنما كثر التخليط فيما يتحمل (ﷺ) عنا أهل البيت لذلك (ﷺ) ،

﴿ لَأَنَّ الْفُسْقَةَ يَتَحَمَّلُونَ عَنَّا ،

﴿ فَيَحِرُّ فَوْنَهُ بِأَسْرِهِ لَجْهَلِهِمْ ،

﴿ ﴿ ﴿ ﴿ ﴿ ﴿ ﴿ وَيُضْعُونَ الْأَشْيَاءَ عَلَى غَيْرِ وَجْهِهَا لِقَلَّةِ مَعْرِفَتِهِمْ ،

وَأَخْرُونَ يَتَعَمَّدُونَ الْكُذْبَ عَلَيْنَا. الْحَدِيث.

هیچ جای روایت نه قیاس آمده نه اجتهاد

استاد سید عباس

نه خیر چطور تکلیف خود علما مشخص نیست؟ 😊😊😊 تکلیف علما مشخص است بلکه تکلیف مخالفین تقلید با خودشان مشخص نیست چون گفتیم علما سند را ضعیف ددانسته بلکه به متن عمل کرده اند و این هم قاعده رجال هست و کسی که بگوید انها اختلاف کردن یعنی اصلا مطالب من رو نخوانده چون قاعده رجال در باب انجبار ضعف را آوردم و گفتیم علما به روایتی که سند ضعی باشد به متنش عمل کردن

این هم از بی سوادى مخالفین تقلید هست که هنوز نمی دانند ننتها نصی پیدا کردند بلکه کثرت نص پیدا کردند و نمونه کلام امام را آوردیم که از جمیع روایات حکم بر جواز تقلید کرده انوقت چطوری می گویند کلام متقن پیدا نشده؟ 😊😊😊😊

خوب الان این کلام امام ادامه اصل روایت هست منظور من بر اینه ربطش و استدلال مخالفین بر چه هست؟

اولا که ما وقتی روایت در باب اجتهاد می اوریم که می گویند اجتهاد یعنی تلاش و کوشش الان اینجا چطوری دنبال لفظ اجتهاد می گردند؟ 😊😊😊

اما اینکه کجا لفظ اجتهاد آمده در پاسخ می گوئید وقتی که عوام جامعه را اهل بیت دستور داده اند از فقها تقلید کنند انها موظف هستند از فقها تقلید کنند از چه فقها تقلید کنند؟ از اجتهاد انها بر اساس نص وگر نه تقلید معنا پیدا نمی کند و اهل بیت بهخ جای ارجاع مردم به فقها بلکه مردم رو به حدیث

ارجاع می دادند و نه فقیه لذا ارجاع به فقیه دلیل بر این هست که آنها باید استنباط کنند و اجتهاد کنند و مردم تقلید کنند همان طور که در روایات دیگر چنین آمده



مخالف تقلید:

سید اجتهاد بر خلاف نص رو این کجای روایات آمده

استاد سید عباس

معصوم به فقها فرموده اند علینا القاء الاصول الیکم و علیکم التفریع — بر عهده ی ماست القاء اصول به شما و بر عهده ی شماست استخراج فروع

اقا ما به چه زبانی باید بگوییم فقیه که خلاف نص اجتهاد بکنه اجتهادش باطله

ما روایت دادیم که فقیه باید تابع معصوم باشد

اما کلام معصوم را هرکسی در آن فهمش را ندارد چون فقیه

الان شما باید مخالف تقلید سخن بگویید

از علم رجال دوزار نمی فهمه

مخالف تقلید:

امام میفرماید بلکه عده قلیلی از فقها به این درجه میرسند ایا ما واقعا این چنین مرجعی داریم که به روایات عمل کند

مطیع امر مولای خود باشد اینکه جریان بانک داری رو فرمودن اگر شورای اسلامی قبولد کند حلاله این چگونه حلالی ست که مرجع بر خلاف نص صریح اجتهاد کرده

استاد سید عباس

خوب کسی که از رجال چیزی نمی فهمه چطوری می خواهد در مورد فهم حدیث بگه

خوب دوستان یک مروری بکنیم

خاطرممان باشد اینها رو جواب ندادند مخالفین تقلید و به نوعی از پاسخ فرار کردند ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

خوب دقت کن سید من، امام خمینی هم مانند سید خوئی کتابی دارد به نام ﷺ ﷺ ﷺ

نام کتاب : الاجتهاد والتقلید نویسنده : السید روح الله الخميني

پس اولاً خود امام قائل بر تقلید بوده و استدلال اقایان باز هم به مبانی رجال امام باطل است چجرا؟
چون گفتیم ایا شما اجتهاد علما را قبول دارید یا خیر؟

این سوال را مطرح کردیم و باید مخالفین پاسخ بگویند

ایا شما اجتهاد امام و امثال امام را قبول دارید یا نه؟ اگر قبول دارید پس از اجتهاد آنها تقلید می کنید
و به ان استدلال می کنید دیگر نگوید تقلید باطله و اگر نه از باب الزام احتجاج می کنید ما هم می
گوییم امام اعتقاد به تقلید داشته لذا بهش عمل می کنیم

مخالف تقلید

روایات احادیثنا یعنی چه یعنی کلام اهلبیت نه اینکه به خود شخص رجوع شود کلام اهلبیت هست

استاد سید عباس:

احسنتم پس این هم سند دوم

سید جان دقت کن

مخالفین تقلید تا الان دو گاف دادند که واقعا جای تشکر دارد

گاف اول این بود که اجازه اجتهاد داده شده به فقیه ان هم به زکیه نفس ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

مخالف تقلید

و حالا اینکه تبعیت در روایت در از چکسانی هست کسانی که زکی النفس باشند نه اینکه اجتهاد شخصی رو وارد کنن

پس اجازه اجتهاد و تقلید داده شده و مخالفین تقلیدفاتحه خود را خواندن و اساس خود را بر هم چینند

گاف دوم این بود ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

امام میفرماید بلکه عده قلیلی از فقها به این درجه میرسند ایا ما واقعا این چنین مرجعی داریم که به روایات عمل کند

مطیع امر مولای خود باشد اینکه جریان بانک داری رو فرمودن اگر شورای اسلامی قبولدکند حلاله این چگونه حلالی ست که مرجع برذخلاف نص صریح اجتهاد کرده

پس عده قلیلی از فقها به درجه اجتهاد و جواز فتوا برای اینکه مردم تقلید کنند می رسند پس به زعم مخالفین تقلید با این دو گاف اصل تقلید ثصابت شد و باطل بودن تقلید هم رد شد ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

روایات حدیث ربطی به روایت مذکور نداره و این هم فرار مخالفین تقلید هست که از بحث فرار کردند

در مورد روایات حدیث اولاً خود فقها گفتن منظور مراجع هستن همان طور که امام خمینی فرموده ﷺ ﷺ ﷺ ﷺ

بل راوي الحديث في زمانهم كان فقيها، فإن الظاهر من قوله: (ممن روی حدیثنا) أي كان شغله ذلك، وهو الفقيه في تلك الأزمنة

ام کتاب : الاجتهاد والتقليد نویسنده : السید روح الله الخميني جلد : 1 صفحه : 27

مخالف تقلید

جواب اجتهاد برخلاف نص رو بفرمایید

استاد سید عباس

جواب رو دادم جیگر طلای من گفتم کسی خلاف نص اجتهاد کنه باطله

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته
گروه خيمه گاه حضرت ابالفصل عليه السلام